

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

موضوع جزئی: آیه ۴۸ - بخش چهارم - آیات دال بر عدم اخذ فداء در قیامت

تاریخ: ۴ بهمن ۱۴۰۱

مصادف با: ۲ رجب ۱۴۴۴

جلسه: ۲۴

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین

خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم بخش چهارم آیه ۴۸، یعنی «وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ» بر این مطلب دلالت می‌کند که در روز قیامت برخلاف مناسبات جاری در دنیا که در آن عقاب و مجازات و کیفر با فداء جابجا می‌شود، با عوض و جریمه مالی و امثال آن از بین می‌رود یا تخفیف پیدا می‌کند، آنجا چنین اتفاقی نمی‌افتد و عدل و عوض و معادلی برای عقاب و عذاب و مجازات پذیرفته نمی‌شود. جلسه گذشته به فرق بین عدل و شفاعت اشاره کردیم؛ گفتیم شفاعت باعث می‌شود عذاب به صورت مجانی ساقط شود، اما عدل باعث می‌شود که عذاب و کیفر و عقاب با یک عوضی ساقط شود. هر دو موجب سقوط عقاب و کیفر هستند، لکن در یکی عوض لازم است و در دیگری خیر.

آیات دال بر عدم اخذ فداء در قیامت

خداوند متعال می‌فرماید در روز قیامت این چنین نیست که از کسی عدل اخذ شود به جای مجازات و کیفر و عذاب. این مطلبی است که در آیات متعدد قرآنی به آن اشاره شده است؛ یکی از ویژگی‌های آخرت این است که به هیچ وجه امکان جابجایی عذاب با اموال یا عوض وجود ندارد، هر چند به اندازه همه کوه‌ها و همه زمین و دریا و آسمان، طلا و نقره داده شود. یعنی اگر تمام زمین هم پر از طلا شود، هیچ سودی به حال آن شخص ندارد.

۱. در آیه ۹۱ سوره آل عمران خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَى بِهِ»، کسانی که کفر ورزیدند و با حالت کفر گرفتار مرگ شدند، از آنها تمام زمین هم که پر از طلا باشد، پذیرفته نمی‌شود. یعنی اگر همه زمین پر از طلا باشد و به جای عقاب مترتب بر کفر بخواهد قرار گیرد، چنین چیزی ممکن نیست.

۲. آیه دیگری که بر همین معنا و مضمون دلالت می‌کند، این است: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ». می‌فرماید کسانی که کفر ورزیدند و با حالت کفر از دنیا رفتند، (در این آیه تصریح به آن نشده، ولی در آیه قبل تصریح شده بود که با حالت کفر از دنیا بروند) اگر

همه زمین و آنچه که در آن است متعلق به آنان باشد تا بخواهند به وسیله آن با فداء در برابر کیفری که برای کفر در نظر گرفته شده بپردازند، این از آنها قبول نمی‌شود. آن عذاب الیم و دردناکی که برای آنها مقرر شده، آن عذاب به قوت خودش باقی است. این مربوط به اهل جهنم است؛ می‌گوید اگر دو برابر همه آنچه را که در زمین است در اختیار اهل جهنم بگذارند و آنها بخواهند این را بپردازند تا عذاب را از خودشان بردارند، یعنی به عنوان فدیة در مقابل عذاب در نظر گرفته شود، به هیچ وجه از آنها قبول نمی‌شود و گرفتار این عذاب هستند.

۳. آیه دیگر این است: «لِّلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَىٰ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ»؛ می‌فرماید کسانی که به ندای حق پاسخ ندادند، اگر تمام زمین و آنچه که در آن است را در اختیار داشتند و مثل آن را، یعنی هم آن و هم مثل آن را، فرض کنید تمام زمین و مافیها و مثل آن که به همین اندازه است، اینها را اگر در اختیار داشته باشند، ... (خداوند دارد از سختی آن روز می‌گوید) می‌فرماید اگر تمام اینها را در اختیار داشته باشند، حاضرند بدهند و از عذاب نجات پیدا کنند، در حالی که این شدنی نیست و امکانی برای این معنا وجود ندارد. کسانی که در این دنیا حتی از یک مقدار بسیار ناچیز ملک خودشان حاضر نبودند بگذرند، خداوند می‌فرماید آنقدر شرایط برای اینها سخت و طاقت‌فرسا می‌شود که اگر همه زمین و مافیها را داشتند و مثل آن را هم داشتند، یعنی دو مقابل آنچه که در زمین و مافیها وجود دارد، حاضر بودند اینها را بدهند تا از آن عذاب رهایی پیدا کنند؛ ولی افسوس که سودمند نیست.

۴. «وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّثْلَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ»^۱.

کسانی که ظلم کردند، اگر زمین و مافیها را در اختیار داشته باشند، حاضر هستند اینها را بدهند تا از آن عذاب رهایی پیدا کنند، اما سودی به حال آنها ندارد.

۵. «وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»^۲؛ چقدر این مسأله در قرآن تکرار شده است! می‌گوید اگر ظالم در روز قیامت مالک همه زمین و مافیها باشد، عذابی که به او داده می‌شود آنقدر شدید است که حاضر است همه آنها را به عنوان فدیة بدهد و نجات پیدا کند. چون انکار گناه و استحقاق عقوبت را نمی‌تواند بکند؛ آنجا همه مسائل عیان و آشکار می‌شود. اگر کفر یا ظلم بوده، اینها همه کاملاً عیان و آشکار است، لذا اصل گناه را نمی‌تواند انکار کند و می‌پذیرد که استحقاق مجازات دارد؛ قبول می‌کند، می‌گوید من چنین و چنان بودم، اشتباه کردم، اما حاضر هستم جبران کنم، یعنی حاضر است فدیة بدهد؛ تمام زمین و آسمان اگر در اختیار او بود، حاضر بود بدهد تا خودش را نجات دهد. اما این فدیة از او پذیرفته نمی‌شود. به قسط و

۱. سوره رعد، آیه ۱۸.

۲. سوره زمر، آیه ۴۷.

۳. سوره یونس، آیه ۵۴.

عدل نسبت به او حکم می‌شود و مورد ظلم قرار نمی‌گیرد.

۶. «وَذَكِّرْ بِهِ أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعْدِلْ كُلُّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا». کسانی که ظلم می‌کنند و اهل کفر هستند، اینها مواظب باشند که روز قیامت گرفتار ابدال نشوند. ابدال چیست؟ سراسیمگی در عذاب؛ یعنی وضع آنان آنقدر ناراحت کننده است و یک سراسیمگی پیدا می‌کنند به خاطر این مجازات که هیچ کسی جز خداوند تبارک و تعالی نمی‌تواند ولی یا شفیع آنها شود. در آن شرایط به ذهنش می‌رسد که با فدیة و عوض و جزا دادن، خودش را از این مخمصه خلاص کند؛ در حالی که هیچ معادلی که بتواند آن عذاب را برطرف کند، وجود ندارد. پس از مسلمات است که در روز قیامت هیچ عوضی جای عقاب و عذاب و الم و درد آن روز را نمی‌گیرد. بخش دیگری هم در این آیه هست: «وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ»، که این را ان شاء الله در جلسه آینده توضیح خواهیم داد.

«والحمد لله رب العالمين»